

قبت سالیانه

دارالسلطنه کابل ۷

روپه کابلی

هزار داخله مملکت

۱۱ روپه کابلی

در خارج مملکت

۱۳ روپه کابلی

هر هفته پیکار

(نشر میشود)

(اوراقی کددرج نشود)

(اماده غایب نمیشود)

امان وعا

مرتب ۳۷۳۱ ع

- (مدیر مدرسه)
- (سید محمد قاسم)
- رئیس بطبوعات
- دعا فتحانه کابل
- (مردم امورات تحریریه)
- (به اداره خانه)
- (بنام سر صحرا)
- (فرستاده میشود)

تاریخ شمسی ۸ جدی ۱۳۰۱ شمسی مطابق ۱۱ جادی الاول ۱۲۴۱ قمری

تاریخ انگلیزی ۲۹ دسمبر ۱۹۲۲ عیسوی

— (فهرست مبدل جات) —

جواب تلکراف اعلیحضرت غازی - مقام جریده نگاران و مدیر جدید امان افغانستان .
خلانج بوزیرستان یا خامت بشکر کنی انگلستان . تصحیح بدرانه حضور شاهانه درباره
بوشیدن و استعمال منسوجات و مصنوعات وطن . قرارداد حل و نقل مسافران بذریعه
موزی باسینور دات کیوپی مانیر ایطالیوی . تصریف فرمائی اعلیحضرت غازی بصمت
شرق . تاسیس مکانی در هرات . مصطفی کمال پاشا . قوه حریمه زرگان . عقبه زه روسیه
نسبت به زرگان . الفای کاپتو لاسیون عنانی . مفکره علمای اذکوره اقامه هلال احر
می هزار مکتب در افغانستان . کانفرنس لوزان .

جواب تلکراف اعلیحضرت هابونی

تلکرافیک از حضور اعلیحضرت غازی غبور - پادشاه افغانستان خیر خواه
اسلامیان (امیر امان الله خان) در خصوص مخصوص تصفیه معامله زرگ برای اعلیحضرت
خارج بخوبیاد شاه افغانستان مخابره شده بود و در تهاره (۸) امانت افغانستان بمنظور قارئین
عقلام رسانیدم - اینکه جواب ایکه از طرف اعلیحضرت پادشاه افغانستان - حضور
اعلیحضرت ناجدار دیندار غازی ما رسیده نیز جهه استحضار قارئین کرام میشکارم:-

اعلیحضرت امیر امان اله خان کابل ۱ — پیغام دوستانه اعلیحضرت نهاد —
بنو-ط سفیر مختار اعلیحضرت شاهمقبم در بارشاهانه ام واصل کردید خود من کاملا
نشویشات مسلمانان مشرق زمین را مساوا با تشویشات اقوام مغربی محسوس میکنم ،
و آرزوی حقیقی خودم — و مقصده یکه برای حصول آن وزرای من بکمال جدیت
سمی میناخد همین است که در مجلس (لوزان) مذله ترکه منصفانه تصفیه یابد
(امضاء جارج ، پادشاه انگلستان)

مقام جریده انگاران

مدبر جدید امان افغان
اصروز در دول متفقه و ممل متمدن
مقام جریده انگاران بلند زین مقامات و
رفع تین درجات است بواسطه آن که سر
تری که ارباب جراند در پیشبر مقاصد
دولت و ملت دارند و مجهم و دات عالیه در
تسویه زمینه های افکار دولت و خیالات
ملت بصرف میرسانند و ارباب سیاست و قیادت
در ناقی مسلک خبر و اصحاب زیارت و قیادت
را در وظائف شان بصیر می سازند هیچ کس
از افراد ملت و مامورین دولت باین مثابه
جان قشانی در راه رزق دولت و تنبور افکار
ملت ندارد ازین جهت بیچاره ها شب و روز
غرق دریای فکر و نذر بر بوده آخر کار برض
سل کرفه از ورک حیات مستعار می کنند .
بعد یکه اهل امریکا قدردان اخبارات
هستند (جنایجه لارڈ ناره کاف مالک اخبار
نایز آف لندن و دیکر جراند متناهای

واشخاص بزرگ بعد از ترک وظيفة رسبه
شان کاریکه در خورشان باشد همین جریده
نکاری است ، جنایجه در انگلستان چون یک
از وزرا بوزارت عظمی رسید بعد ازین
عهده هیچ مقامی را در خورشی فرار نداده
اند مکرر دیری اخبار .

باين ناسب ع ص سید محمدقاسم خان
صاحب مستشار سابق وزارت جلیله معارف
که ماموریت شان درین ایام بعد از لظر جدید
در تشکیل وزارتها و دوائر دولت علیه مان
لغو شده بود و میباشد حسب الاراده سنیه
شاهانه به یکی از حکومتهای اعلی مقرر
میشند ازان صرف نظر کرد ، نکارش
جریده (امان افغان) را که مدیر ساقش
آقای پائیشه محمد خان فرحت بواسطه
علیل دائمی مناج خویش نزک کفته
بودند — مقام رفیع و مناسبت بده اختیار
نمودند و بعد ازی آن با رسایست اداره
طبوعات مامور کردند ، اجزای اداره
امان افغان ، برای آقای مدیر جدید
خود تقدیم نهائی نموده توفیقات ایزدی را
در ایفاء این وظيفة جلیله مقدسه
برایشان نیاز می کنند .

چونکه آقای مدیر تازه مان مشغول
وزیریکه لوانع و انظامات و نهیه و لوازمات
و ضروریات اداره مطبوعات و جریده امان
افغان میباشد فرست برایشان دست نداد

مجلس شورای ماقی و دولتی با مقامات رفیعه
و درجات منیعه شرکت دارند ولی بقدر یکه
در بلژیک این مسئله اهمیت دارد در فرانس
دارد در بلژیک وزرداخله ، وزیر خارجه
وزیر معارف وزیر تجارت وزیر زراعت
و غیره وغیره جریده انگاران می باشند .
نیز دولت کوچک بلژیک را سب اصلی

در راپ دول هم عموماً ارباب جراند
دارای مقامات رفیعه و درجات منیعه میباشدند
و از جریده نکاری بوزارت ارتقاء نمایند
جنایجه در دولت علیه مان (ع ۱ ج ۱ س)
 محمودیک خانه مدیر جریده سراج الاخبار
وزیر امور خارجی شدند . و (ع ۰ ج)
عبدالله ای خان از مدیری جریده امان
افغان چندی به مدتشاری وزارت خارجه
وازان بعد بوزیر مستشاری دولت مأمور
خود بدر بار لندن امتیاز یافتند . چندی
پیش در ایلان سید ضیا الدین مدیر جریده
و رعد رئیس وزراء انتخاب شد . در
ایران ایام در اخبار البلاع مصوبی که در
پرون توشه میشود در راپ رفت شان
جریده نکاران مینویسند که رئیس پولیس
بر مدل جریده و فاطمه ، اها می کرده
بود و کذب برآمد مدیر پولیس از وظیفه اش
هزل شد .

والعکس برای وزرا و سدر اعظم ها

که مفکوره خود را در باب مطبوعات و جریده امان افغان نشر می کردند انشاء الله آنها در آنچه فکر شان باشد برای استحصال فارین کرام نشر خواهد شد (یار محمد کاتب اداره امان افغان) خلائق و برستان یا و خامت لشکر کشی انگلستان انسان هر وقت بخواهد نظری به صفحه سیاست مل م اندازد همین میدانهای خوزیز و خشت افزار و مهاجمات پیر حشانه طاقت فرسا و اجساد قطعه قطمه شده بهر طرف افتاده، و نعش های بخناک و خون آغشت کشته، و بیکر های بن روح و بدنهای مجرروح، در نظرش غایش می کند. برسو که کوش فرا میدهد بجز صدای سامعه خراس کلوله ریزی خنکها و آتش پیزی ماشین کن ها، و غرش بوها و بم اندازی طیاره ها، و این مجروحان و نمله اسرار و صیحه بروکان و کربه یقیان آواری بسمعش نمیرسد، افسوس از این بشریت لعنت برای مدنیت. این کنگره ها و کان فرنسها و جمع امها و جمیعت المللهم اک امروز بمنطقه اروبا باسم و قابه امیت واقام: صلح و مسالم و آایش جهور و آزادی اقوام واستقلال او طان منعقد بیشود جبله و تدبیر تازه ایست برای پیشبرد مقاصد استبدادیه و اغراض استعبادیه استعمالیین

وزیرها با کدام دشمن خارجی حکومت هند آه اراده کر فتن هندوستان دارد بیکدل و یک جهت شده آند؟ نشده آند. آیا وزیرها در حکومت داخلی هند رخنه اندازی و فتنه بردازی کرده آند؟ نکرده آند. آیا وزیرستان کدام ملک و سپی است که استیلاه بران در شوک و اعتبار دولت برطانیه می افزاید؟ مملکت و سپی نیست. چه مساحتی از جهار تابع هزار مربع میل متجاوز نیست. آیا وزیرستان مانند وادی پل قطمه محصول خزر است یا مثل موصل چشمی های پل دارد که از تسلط بران ثروت حکومت هند بلندی خواهد یافت یا این بار کر شکن مصارفات فوق العاده را که امروز بد و دشنه افتاده سبک خواهد ساخت نه ای ا وزیرستان بلکه کوهستان سنگ لاخ و ریکستان بی حاصل است که مخصوصاً اش اعمال از اکتفای نمی کند تا بدی کران چه رسید و این جمه اعمال این راه حفظ حیات خویش در بعض اوقات مجبور بعنای شده کاهی - بحدود افغانستان و کاهی بمحال صوبه سرحدی حکومت هند بصورت دزدی دست درازی می کنند. الحق چون بدیده تعمق نکریسته شود. غیر از هین نکته دزدی دست درازی که کاه کاه وزیرها بطریق بنون و ناله مینهایند دیگر سبب مشروح برای این

بومة دیده می شود - چون آن اقدام حکومت هند صعوبات شاقه مادی و خطرات مدده شده معنوی را بحکومت مشارکه ایا وارد می نمود جریده (مانجستر کاردن) واکثر جرائد انگلستان از کمال خیرخوانی که بدولت خودها دارند و خاتم ماقبت این اراده را بدلالت قاطمه ارائه و ایشان خوده حکومت را به فسخ آن هدایت و دلات نموده اند، مامن این خبر که حکومت هند را بدلالت معقوله خارج از دائره مال اندیشی و دود بینی دیده اولاً بفرض ایقای وظیفه بشریت تائیا از روی هجواری و همدردی و هم قوی که بالافنان سرحدی داریم ثالثاً بنا بر معاہده وفا قیمه که بین دولین علیین افغانستان و انگلستان انعقاد یافته، و خیراندیشی طرفین را انجاب می کنند از اظهار رای سواب مصلحانه در این زمینه و خیمه خودداری نتوانیم - چونکه این اقدام باید اقدام خیلی مهم است اولاد قدری در اسباب و عمل و فوائد آن که حکومت هند نخین کرده حدس زنی و فکر دوانی باید کرد کامن جیست و برای جیست؟ آیا وزیرها برای قلم و قفع انگلستان را از هندوستان، اتفاق هموی آرده آند؟ نکرده آند. آیا وزیرها تشویر سلاح نموده بحکومت هند اعلان حرب داده آند؟ نداده آند. آیا

اشرک آشی حکومت هند دیده نی شود خبر از اسباب این اشرک آشی و فوایدیکا حکومت هند دران نصور نموده صرف نظر مینامیم و بذ کر عقبات و خطرات مدھشة قطعیه که در این راه می پذیرم (ورهروان از دوچار انواع متابع و مصائب می بایم) می بردازیم؟

این حرکت حکومت هند، ایجاب می کند سلب آزادی وزیرها و غصب حقوق مشروع و احکام استقلال طبیعی وطن آن بیچاره هارا، اکرجه در مذهب استعمالی مسلم آزاری و خوزی در مقابل جهانگیری اسباب نهادی نوع انسان و اصلاح جهان کفته می شود اما عرار این مصريع که از مکافات عمل غافل مشو) این حرکت برای حکومت هند نتیجه خوبی ندارد [۱] قوییک خداوند آنها را از بد و خلقت آسلا بعد نسل ملاک حریت و آزادی ساخته و با دسموم تعلل واستعمال بروطن شان نویزیده وبار استبداد بدوش شان نیفتاده محکومیت را ندانسته اند و رقیت را اشناخته اند، خود سرانه اصار حیات نموده و آزادانه باعمال دین و دینوی برداخته اند. تاریخ در همه عصرها بر آزادی شان کوهه سادق و جفرافیای محلی و طبیعی وطن شان براین مدعای شاهد ناطق بوده، آزادی شان را به اسارت مبدل ساختن

آتش حرب عمومی دیگر کرمی میدارد.

(۲) عموم عالم اسلام دولت برطانیه را اعداء و حقوق ابشریت و اشدمان اسلامیت میدانند و برای قلم و قمع آن بجمعیت وسائل مکنه تشیب می نمایند، با اعدای او دست اتحاد و داد میدهند بهر طرف نادیها برای می کنند و بهر کنفرانس نماینده ها می فرستند. و برای نشر افکار خود جریده ها بهمۀ السنه نشر می کنند و بھر نقطه که هستند، آتش شورش و انقلاب می افروزند - بس درین حال دولت برطانیه را لازم است که خود را ازین سیلاح بندیاد کن و ولگان جهان رهم زن بیداری و اتفاق عالم اسلام کناره کشیده مسلمانان را دیگر بیزارد و این جامعه بزرگ را که امروز شیرازه اتحاد و اتفاق شان بکمال متأنث اشیید یافته و قدم بیدان نقدم و قوت وشوک کذاشته و غالب اجزای آن سلاسل رفیت را از هم کسیخته و بقیه هم عنقریب پیلک تو خارقه ها زنجیر های استبداد را شکستاده خود را رها خواهند ساخت.

ولوای استقام را خواهند افراحت زیاده منفور نسازد در از کلستان عموم مسلم مساعات اهل اسلام و دوستی رکان را برای بقای دولت برطانیه ختمی میدانند و حکومت را به تعقیب این مسلط وادر

و حشت را سر از تو زنده کردن است دولت برطانیه از آغاز جنگ عمومی باین طرف المان را غاصب حقوق ممل ضعیفه و طرفدار قوت، و مفکر مفکر مکنور «الحق للقوی» به مسلم می شناساند و خود را بعلم حای و طرفدار آزادی کرتاران زنجیر استراق و حایات معرفی می کنند. ولارد کرزن؛ در این ایام در مجلس لوزان به لمجه بلند دعوای با کدامی از غصب حقوق و ظلم و استبداد می نماید، و می کوید آروا که حساب پاک است از حسابه چه پاک، بس در عین وقت دست خود را بخون پیچاره وزیرها رنگین کردن و مسلمانان را از فجائع شان غمگین نمودن لکه بدنه ای بدئی بر پیشانی کذاشتن و خود را بین الاقران والامثال بی اعتبار ساختن است اکرجه ارتكاب اینکوئنه ظالم از فوری و مادی نداشته باشد لا کن بدیهی است که معنویات حکومت هند بلایک دولت برطانیه را صدمات مدهش میرساند چنان که این صدمات کمرشکن را اهالی از کلستان حس کرده اند و جرائد پیلک صدا حکومت را از اشتعال جنگ و اشتغال بجنگ منع و به پیروی مسلط مصالحت و مسالات تحریص می کنند سقوط لاند جارج از مسند صدارت بر همین باعث بود که طرفدار جنگ بوده و حکومت خود را به افروختن

می سازند نمیدانم که حکومت هند بجهنگ باوزیرها و اصحاب آن بیجاره ها باز عالم اسلام را چرا بر علیه دولت برطانیه بیهجان و غیظ می آرد؟ واعتماد مسلمانان را از اقوال و معاهدات و مواعید انگلیسیان برمیدارد وابن آتش جهان سورزا دامن میزند! (۳) چونکه افغانستان سرحدی باهالی افغانستان وحدت جنسی و نوعی و صنفی و قوی و دینی ولسانی و طبی و رشته هیجواری و همدردی دارند، و در راحت ورنج قومی آنها خود را شریک میدانند لهذا ازین فشار آوردن حکومت هند بروزیرها اهالی افغانستان تحت فشار الم ورنج پیشمار میباشد وبالطبع حکومت شان نیز (اکرچه با حکومت هند پناه معاهده که بدولت برطانیه دارد درین مسنه طرف خواهد شد) اما قبل از متألم و متاز میکردد و چنان میپندارد که ابن تکلیف عیناً برخودش وارد کشته لهذا اکر حکومت هند درین اقدام خود در دام ورزد عواطف هلت و دولت افغانستان را از خود متغیر خواهد ساخت و بین انگلیسیان و آهالی افغانستان بجای اینکه تخم وفاق پاشد نهال دشمنی و نفاق خواهد نشاند و عموم افراد را بر علیه خود بیهجان خواهد ساند و از انجاکه دوستی افغانستان

بجهة حفظ حیات و ناموس خود باوزیرها متفق خواهد شد بایحوض دینی و غیرت افغانی باعث این اتفاق خواهد کردید درینصورت و خاتمه قطعی و حقی است.

(۷) بوجه اینچنین مصارفات کرشنک حریق که مشعر هیچ نفر مادی و معنوی ذکشته بودجه مصارفات هند نهایت بلند رفته و بین فرض ازانگلستان مامورین رای دقت در بودجه مصارفات هند مامور کردیده اند پس بازین حال کرو رهارویه را برای مصارف این سوق الحیش متحمل گشتن خلاف نزول اندیشه است حال آنکه این (۱۴) کرو رهاره یا کم و بیش بنا را باید که در آنکه توضیح میشود یاد رملا ذکر یافته کهایت نمیکند برای استیلاه روزبرستان، بلکه اینجا باید صرف کرو رهارهای دیگر را بالتفات نفوس و ضباء ادوات و آلات ناریه و ذخائر حربیه.

بسیار حکومت هند این بار مصارف کران را بدون ضرورت منجمل میکرد البته چنین خواهد بود که حکومت هند قادر را تصور ناکرده این مبالغ کناف را (که به یک آن سرک تقریباً یک نیم صد روپیه کابلی میده) بیهوده صرف نماید لآن آن قانده بغیر صرف این مبالغ وقبل نفوس زبان شیرین و دست کوتاه بسیار خوب میسر میشود.

بود که در صورت شدت هسته سرحد بجهنگ ختم است که اثرات آن بدولت علیه افتاب، بجاوز کند و در انصورت دولت برطانیه را کرفتار اندیشه سازد.

(۸) دولت برطانیه در آریزندو، سر رفاطین و عراق کرفتار کشمکشمها را غلبات است بلکه مسائل نفس اور هم اینبه اشده احتمال دست و کربان شدن ایک چنک عمومی دیگر حقی است لهذا باید که حکومت هند در چنین وقت نازک بک آش مدهش دیگر برای او برآفرور و زیرشله های نیران سابقه شعله دیگر بیزاید.

(۹) از همه و خیم ر آتش افلاک هند اسن که مانند ولکان دودش فضای اندار و هالک حکومت هند را روز بروز نبره و تاریک ساخته میرود و این اقدام انشروع غالباً چنان مینماید که آن ولکان را محال شعله خیزی و آتش افشاری از آورده دفعه افجعه باید و هم همیزون حکومت برطانیه را در هند برباد ولکن و تباہی دهد.

(۱۰) قرب بجهنگ است که جنک این بجهنگ بجهنگ عمومی سرحدی شود بجزا که دیگر اقوام سرحد جون احوال اسف اشتمال وزیرهارا ملاحظه نشود ازورد آن احوال برخود نرسیده

آزادی است که برای حفاظت آن نافر
آخرين استاده اند عده شان هم کم بیست
که اکر مسئله کسب شدت کرد ممکن است
که از خود وزیرها و مسعودیها تائصن
هزار سرباز دلیر حاضر میدان حرب
شوند و باهه مثل خود از عساکر هند
بجز گشند.

(۹) از محاربات کذشته حکومت هند
پسرحدیها واضح است که هر بار در مفاخره
خود سهوشده است و بجز خسارت روحی
نکرده است چنانچه از سن [۱۸۶۰]
عیسوی تا بستو قت هر دفعه که حکومت هند
بر سرحد سوق عسکر نموده است بعد از
جنکهای شدید و تلف کردن نفوس زیاد
و صرف مبالغ کثیره بنیل مردم جبور
به رجعت کشته است و در هر بار حکومت
هند از بستو نه اقدامات غیر مدرانه متهم
بار کران کر شکن کردیده از وقایع ماضیه
صرف لظر کرده همین واقعه یکدو سال
پیشتر را تحت نظر دقت باید کرفت که
ما وجود همکوه اقدامات مدهش واستعمال
اخیل مفید ثابت شد. از اسباب جاه
وجلال و فتح و منه خرافات دینوی و ممال
و منال و قصور عالیه و اراضی منروعه
و بساتین چیزی ندارند که خوف نسباع
آن سبب فتوح در جنک شود بلی مایه
اعتبار و سرمایه روت و نعمت شان همین

قائم بطوط و یک مطلوب است دست دست همیزند.
ازین به بعد به هیچ کونه اقدامات در
و زیرستان مرتبه اشوبم، و اندیشه
حفظ رعب و افتخار را در این زمینه
من احتمل نسازم.

فوائد این روش فوری بسیار است
بار کران ناقابل برداشت که بروش خزانه
هند افتاده کتر می شود؛ و نتیجه آن
هیین است که عدم امانت و اضطرابات
داخلی موجوده رفع می کردد. برای ما
حتمی است که آن هم محافظ خانهها و
استحکامات را در داخل و زیرستان است
وازا را افغانستان و همسایه سرحدی
مخالف حنوزت وجود خودها میدانند،
مه را محوابی ازیم. و کذا ضروری است
که از داخل این قطعه هم فوج مستولیه
خود را خارج نمایم؛ چرا ممکن است؛
که قبائل سرحد برخلاف ما یکدل و یک
جهت شوند. درینصورت همان مقامات
واستحکامات برای هلاکت مابک دام و
نفس نهایت مدهش و مملک است که در
محافظ خانهها و استحکامات بود عصر
کشته شکار دست اجل می شویم. اکر در
هند یک نوع حکومت خود مختاره قائم
کرده بقین است که حکومت مذکور هر
کوکوش نخواهد کرد که بقدر یک لحظه

مغلوب کردن وزیرها و مسعودیها ایجاد
کرده اند و حکومت هند را متعین ساخته
اند که باین آله بالضروره غالب آمده آن
هم رنگ زردیهای سابق را بسرخ روئی
و تمام هزیت های کذشته را با غالیت
قطعی مبدل می سازند یقینی است که چنین
آله مخربه مجرمه تا حال بوجود نیامده
است پس آزموده را نباید آزمود من
جرب المجرب حلت به الندامه.

بالفرض اکر از سوء آثارات مطلوب
حکومت هند ازین لشکر آتشی در این
دفعه حاصل هم بشود قاذفه ندارد جه این
بعض استیلاه اسمی خواهد بود و محدود
به چهار طرف محافظ خانهها تاکن تفک
رس و همه وقت مال و مواشی و سایهایان
انکلیسی دست خوش یغمای سرحدیها
خواهد کشت و اکر اندک واقعه از یک
طرف روداد این همه کان لم بکن کشته
باش از خواهی بایسر ای خواهد بود.
راه صواب برای حکومت در این هاب
فکر مصلحانه ما عیناً هان است که در
حریبه [مانجستکاردن] مسطور است،
و آن این است: - بهترین طریق عمل ما
در سرحد واضح و شکار است. مارا
میابد که از وزیرستان، ماره دست اسلط
واسنلا برداریم، چرا که درینصورت،
بالغ کثیره صرف شده میرود، واستیلاه

باس خطر و رعایت مصالح اهالی افغانستان
 نیز دست تصرف او سران باقی بماند
 را اسپار مهم است و فوائد جسیمه
 پس مارا چه پیش آمده که مابین حال مبالغ
 را حالاً و مالاً مشهراست مد نظر داشته
 ازین فجائع و کشت و خون و بر بادی
 وربرای بیچاره و مسعود های مسکین نا
 توان دست بردار شود . «امان افغان»
 کاردن] دوسال قبل برین اثناعمه نقدهم
 نموده است یعنی ما [انگلستان] را
 لازم است که ازو زیرستان پس بحدوده خود
 بسیار و درخواست قلعه های چوبی و دیواری
 از سیم پخار دار بسازیم ، نایخوا کنند کان
 نتوانند داخل حدود مابشوند . علاوه
 بران بفکر من [واقعه نگار جریده
 مذکور] دورا دور حدود داخله خود
 تبار آکاه میدایم ، از چنان پیش آمد
 مانوار یک هر کاه و در بر بالا ح آن پردازید
 لاهه الله آن خسارت بغیرت ملی و احوال
 مالی تان عارض خواهد شد . مدهشتین
 اساحه و سنه کین زین قوتها یکه در مقابل
 آن خود داری و مقاومت هم کن نیست
 [احتیاج] اس ! احتیاج چیزی است
 که انسازا دایما در مقابل دشمن ترسندک
 و بزرگ می بازد و ملت هاییک در لوازم
 معمده است و بدکافی خود محتاج به اجانب و
 افزا از این بجز این احتیاج شان
 د حاممه ملل ذلیل و حقیر ترناخته پشوید
 مهـ تـنـ اـهـتـ جـاـ مـلـ مـاـ اـنـ دـنـ
 صنایع داخلیه ن مملکت اش پل بید

حکایت از خانه های

هر کرا هست فکرو پاس وطن
 می آند زیب تن ای پاس وطن

(اصبحت پد آه حضور شاهانه)
 ملت عنزیم ! رعایای صادقة شاهانه اما
 تبار آکاه میدایم ، از چنان پیش آمد
 مانوار یک هر کاه و در بر بالا ح آن پردازید
 لاهه الله آن خسارت بغیرت ملی و احوال
 مالی تان عارض خواهد شد . مدهشتین
 اساحه و سنه کین زین قوتها یکه در مقابل
 آن خود داری و مقاومت هم کن نیست
 [احتیاج] اس ! احتیاج چیزی است
 که انسازا دایما در مقابل دشمن ترسندک
 و بزرگ می بازد و ملت هاییک در لوازم
 معمده است و بدکافی خود محتاج به اجانب و
 افزا از این بجز این احتیاج شان
 د حاممه ملل ذلیل و حقیر ترناخته پشوید
 مهـ تـنـ اـهـتـ جـاـ مـلـ مـاـ اـنـ دـنـ
 صنایع داخلیه ن مملکت اش پل بید

ملیکه از صنایع داخلیه خود محروم و به
 صفت یکانه محتاج بوده بدرجۀ آه «فقط
 وجود خود را از برودت و حرارت تواند
 هر کاه از سفیلتین و وحشی زین قوام عالم
 شمرده شود جا دارد . ترقی و مدار بک
 مملک فقط وابسته بدرجۀ صفت و عاد
 صفت کران آن عمل کن است ! و پس وحیات
 صفت باز منحصر است بر غربت و محبت اهالی
 بصنوعات وطنی شان .

وطن عنزیم افغانستان نیز ماهه های
 بسیار صفت و حرفاشق در خاک معدوم و
 مدفن کردیده در محتاج جزوی و کلی
 خود محتاج اجانب بود ، بدرجۀ آه هه
 ضروریات خود را با وجود آن نواز کری
 و استنطاعت طبیعی آه حضرت خلاق اعظم
 بخاک باش از قسم محصولات حیوانی و
 بیان عطا فرموده از هم ایکان و یکان کان
 بنت می آورد حتی کفن مرده و لباس
 زنده خود را هم از عجز و فقر صنعتی که
 داشت از اجانب میخواست هکر حال شکر
 بیکفارم و نتا می کویم خداوند بزرگ را
 که وطن عنزیم دایان احتیاج و ملـ
 غزـدـ رـاـ اـرـ لـکـنـ شـکـ عـارـ دـصـهـ
 رـاـ دـرـ مـنـ غـرـیـ عـجـیـ وـ هـایـدـ
 بـهـ الـهـ مـرـزـ اـفـغـانـتـاـ هـلـ
 اـفـاـقـانـ کـهـ وـ هـنـ بـدـ کـهـ اوـ کـفـنـ

صـهـ وـ بـنـنـ رـهـهـ خـدـ عـاجـزـ بـانـدـ ، هـرـ
 جـنـدـ فـقـهـ اـرـ صـنـائـعـ دـاخـلـیـ اـزـ جـنـانـ اـفـهـائـیـ
 بـدـ ، بـیـکـ بـاـ کـ خـودـ رـاـ اـرـ جـنـکـالـ
 قـهـارـهـ بـوـانـ سـاـسـتـ ، وـلـیـ بـازـهـ اـفـغـانـتـانـ
 دـزـینـ بـدـ ، بـالـ اـخـیـرـ اـرـ هـتـ وـ هـهـارـتـ
 صـنـعـتـ کـهـ اـرـ وـطـنـ آـنـقـدرـ شـدـ توـانـتـهـ
 اـسـ «ـ لـبـاسـ نـرـمـ مـسـمـ مـایـ خـودـ رـاـ بـدـ جـهـهـ
 کـهـ هـرـ بـیـکـ اـرـ آـحـادـ وـ اـفـرـادـ مـعـنـیـ اـفـغـانـیـهـ
 رـاـ دـفـابـ زـبـدـ ، بـیـارـکـ وـ اـحـضـارـ خـودـهـ
 اـسـ «ـ عـلـاـوـهـ بـرـفـارـیـکـ »ـ پـشـمـیـهـ بـانـیـ کـهـ اـزـ
 جـنـدـینـ سـالـ بـیـکـ بـیـانـهـ وـسـایـیـ درـ بـرـ آـورـدنـ
 بـارـجـهـ هـایـ بـشـمـیـ اـزـ قـسـمـ صـرـجـ وـ کـشـمـیـهـ
 هـایـ رـنـکـارـکـ وـغـیرـهـ قـسـکـهـایـ زـمـنـانـیـ
 خـدمـتـ خـودـهـ بـزـارـهـ تـوبـ قـاشـ بـشـمـیـ
 اـفـغـانـیـ رـاـ اـفـرـازـ دـادـهـ استـ درـ بـنـ سـهـ سـالـ
 اـخـیـرـ بـصـدـهـ دـسـتـکـاهـ دـیـکـ درـ جـیـلـ السـراجـ
 وـکـوـهـستانـ وـغـیرـهـ نـوـاحـیـ کـاـبـلـ حتـیـ درـ بـایـنـ
 وـقـهـاـ درـ تـرـکـستانـ وـهـرـاتـ وـ قـنـدـهـارـ نـیـزـ
 کـشـادـهـ شـدـ اـنـ آـهـ درـ تـحـتـ اـیـادـیـ اـرـ بـابـ
 صـنـعـتـ وـ حـرـفـ وـ طـنـیـ درـ تـرـوـیـجـ وـ تـسـبـیـجـ
 مـنـوـجـاتـ نـخـیـ اـزـ قـسـمـ کـشـمـیـهـ هـایـ رـاهـدارـ
 تـابـتـانـیـ وـ کـرـ بـاـسـ هـایـ سـانـیـ وـغـیرـهـ مـیـ
 وـتـهـ جـیـجـ ظـرـفـ اـنـ دـوـسـهـ سـالـهـ
 مـسـاعـیـ مـتـارـهـ مـحـصـ لـاـ وـ بـعـدـ لـایـکـ اـزـ
 اـمـاـ وـ بـوـ وـ بـدـهـ اـمـ رـجـهـ بـلـذـکـ بـایـفتـ
 قـسـمـ هـنـامـ اـحـتـیـاجـاتـ لـبـاـ بـهـ مـلـ مـنـزـمـ
 اـرـفـعـ وـ قـلـ بـوـدـهـ اـسـتـ ،

مفت و برای خدا نمیدهند بلکه باقیمت کرانی فروخته و از شما بول نقد کرده همان دلهم و جهازهای خود را ازین طرف باطلهای سرخ بر وابرز ساخته در یکدها و خزنهای خود میرزندو در وقت دشمنی آن را بصورت توب و غنک در آورده روی خود شما میزند کویا بادست خود نیشه ریشه خود میشود بس ای ملت بهادر و غیر عمند من غیرت کنید و صد کان را در آنکه پیکان نگان نه بیچر این نک را زود از خود جدا آیند چرا که شما ناموس دار و با غیرت هستید قدر صنایع داخلی و معمولات افغانی خود را بشناسید

بار چه های وطنی تان را باید محبت و احترام مالیده بپوشید و پوشید . غیر وطنی را بنظر نفرت و حقارت دیده دور بیندازد بیسه خود را در کیسه پیکان کان دین و وطن خود زیزد کریم خود را بر سان چهل هزار بار چه های بشمینه افی خود را بر بشمیره های غیر وطنی کرک و بک افغانی را بزرب و کستور دیگران نفوذ و ترجیح دهد ، که نیوون اسلامیت و افغانیت چنین ، و رضای خدا و خوشنودی من در همین است .

مچنان حقيقة چرم های بوت و موزه های غبروطی به که معلوم است که از پوست کدام کدام حیوانات بعمل آمده اند ؟ که در حال تصور این چنین تیفیهای مختلف و شبه های مختلف نه تنها از روی وطن خواهی بلکه زیاده تر به حافظ دیانت و قوی هم بیک مسلمان متدين کوارانی افتد (۴) در صورت استعمال مصنوعات خارجی و اجنبی بار چه که برای لباس خود از دکنار یاسودا کریم خرید قیمت آن را کرچه بظاهر همان دکنار یاسودا اکر مسلمان خود را میدهید مکرر در حقيقة او میدهید بلکه به اجنبی میدهید و باین صورت پس از افغانستان را از افغانستان می آشید حال آن که هر کاه مصنوعات و منوجات وطنی خود فناوت ورزیده ، پس که در مقابل آن بهمان دکنار یاسودا اکر میدهید چون خود او از صنعت کار وطنی خود خریده است . بول شما در چیب همان صنعت کار وطنی خود تان میزود و عاقبت در خود افغانستان میماند (۵) آدمان اجنبی که همه ساله به هزار هانه بلکه بـ که نوب سان والوان وغیره بار چه های نخنی و پشمی و بوت و موزه در جهازها و ریلها از ملک های خود بار کرده به مملکت های شما می آورند

منزیت نفوذ و فضیلت که بار چه های وطنی غیره مصنوعات افغانی نسبت به بار چه های مصنوعات اجنبی دارد بدرجۀ آشکار است که ازان جله این چند چیز با طریق مثال قابل بیان کفته می شود .

(۱) مضبوطی و مکانی بار چه های وطنی نسبت به بار چه های غیر وطنی (۲) ارزانی قیمت ، هر کاه از کشمیره ها و بار چه های خارجی یک دست دریشی ساخته شود لافل (۱۲۰) روپیه مصارف دارد و اکر در مقابل آن از خوب ترین رقیم ای بار چه های پشمی کارخانه پشمینه باقی بک دست دریشی دوخته شود به سی روپیه هم نمیرسد .

(۳) این بار چه های مرغوب و محبوب بادستهای پاک و مسلمان و برادران ملت و هوطنان عنیزان ساخته و برداخته شده است که اکر پشمی است یا تم آن از کوسفنده خود افغانستان و اکر نخنی است نخ آن از پنجه خود وطن بعمل آمده که اعتماد تاکی بر طهارت و پاکیزگی لباسهای جامه هایی که ازان بسازید کرده می نوایند و مالعکس معمولاتی که املاک احتیاط می سند از قسم شمره ها و بوت و مو و غیره که سق با چه و ران قیمه بر طرف که میداند که این تکه ها از بشم کدام آدم حیوانات ساخته شده است .

مکرر فقط جزیی که درین باب نظر داشم را بخود جلب می داشت همانا عدم میل و بی رغبی اهالی است با مصنوعات و مذوقات وطنی شان زیرا با وجودیکه از جذبین سال است که خود مالذات لباس اجنبی و غیر دلطی را ترک ، و پوشیدن لباس بار چه های پاک وطن مقدس خود دوام ور

زیده ام و از هنگام جلوس علی الحصوص در ترقی و توسعه صنعت و حرف افغانی پرداخته ام - باز هم تا حال بجز از کسانیکه واقعیتی - از رضای شاهانه ام درین خصوص دارند پیروی و اتفاقا نموده اند در دیگر جاهانی دور دست کثیر از اهالی و رعایارا مائل پوشیدن لباس های وطنی و معمولات افغانی بدده و شنیده ام که اخیرا این بیش آمد ناکوار مرا و ادار نمود که رضای خود را بصورت قطعی در پوشیدن لباس بار چه های وطنی و استعمال معمولات و صنائع افغانی بده ملت عنیزان اعلان نمایم و ضمأ این فرو کشید و سهل انکاری عمومی را که تا حال در پوشیدن لباس های وطنی بعمل آمده حل بری خبری اهالی از فوائد مادی و معنوی که در استعمال مصنوعات وطنی اسر نموده میدام - که تا حال غمبهده و نسجیده اید که اموال وطنی برمداد خارجی و اجنبی چه بر قرعه و نفوذ دارند احال اینکه

قرارداد بین حکومت علیه

افغانستان و سینوردات کیوی مانیرا
ایطالیوی در خصوص محل و قلع مسافرین
ومال تجارتی افغانستان بذریعه موز

ماده اول حکومت علیه افغانستان

(که بعد ازین حکومت مرقوم خواهد

شد) و کیوی مانیر آن (بعد ازین بعوض

اسم مذکور حصرف مستر مانیر مرقوم

خواهد شد) يك شرکت زنگبی میباشد

(که بعد ازین کیانی مرقوم خواهد

شد) که سرمایه اش مبلغ دولت و نجاه

هزار روپیه کله دار خواهد بود مقصد

کیانی مذکور این خواهد بود آن مال

التجاره و مسافرین را از پشاور الى کابل

واز کابل الى پشاور بواسطه موز حل

ونقل دهد.

ماده دوم — سرمایه مبلغ دولت و نجاه

هزار روپیه کلدار باسهام هزار روپیه

قسم میشود آن یکهزار روپیه

و بجموع دو صد و نجاه سهم شود) اسهام

مذکور را بجز نیمة افغانی و ایطالیوی

دیگر کی خردیاری کرده نمی نواد.

ماده سوم — در سرمایه کیانی

حکومتی صدقه روپیه، و مستر مانیر

فی صد شصت روپیه شریک می شود

ماده چهارم — اسهام مستر مانیر

بصورت لوازم جدید زین کارخانه موز

خواهد بود اگر مرك مذکور قابل
عبور نباشد.

ماده بیزدهم — کیانی هذا ذمه
برمیدارد که باقاعده دولاری برای حل
ونقل مال التجاره و دولاری برای حل
ونقل مسافرین و پوسته هفته وار از کابل
الى پشاور واز پشاور الى کابل جاري
دارد وهم دو موز نیز رفتار احضار
نماید و در واقعات ناکهانی مثل اغلاط
و واقعات هوای بد حرب بقاوت یابد که
حدادتی که انسان تواند برداشت آزاد
نماید مجبور است از کار دست بکشد و

برای چنین اغلاط کیانی ذمه برداریست
ماده چاردهم — برای حفاظت راه

از کابل الى دکه وازد که الى کابل در
وقت عبور و مسوار از طرف دولت يك

نفر محاصله باشد بدون ادا نودن کرایه
سفر خواهد کرد برای همه اتفاقی که

موز ها و مال التجاره رو دهد که چاره
آزادت وانت کرد (بطابق شرح

بیزدهم) دولت نزد کیانی مسئول خواهد
بود و کیانی نزد جماعت ثالث

ماده پانزدهم — دولت ذمه وار
می شود که اداره کیانی و اموال او را

از آشوب و اغتشاش محفوظ خواهد داشت
ماده شانزدهم — کیانی ذمه

برمیدارد که لارها را دایعا در حالت کار

ماده دهم — حکومت از اسهام

شند که خود يك عمارت برای موز داده
و جای رهایش برای منتظم ایطالیایی و
عيال اوپز يك جای رهایش برای انجیز
ایطالیائی ساخته میدهد بقرار نفعه که کیانی
تقدیم خواهد بود حکومت بزودی نمکنه
کار تعمیر عمارت مذکور را باختتمام
میبراند قبل اینکه عمارت مذکور موز
ساخته شود حکومت برای کارخانه موز
و جایهای رهایش موقعنا جاهای درست
حسب الحال مهیا خواهد شود.

ماده یازدهم — میعاد برقراری این

فرارداد تامد دوارده سال دوام خواهد
کرد و درین مدت برای دیگر موترة حق حل
ونقل مسافرین و مال التجاره از پشاور

الى کابل واز کابل الى پشاور داده نمیشود
و موزهای حکومتی و شخصی ازین قرار
داد مستثنی است.

ماده دوازدهم — حکومت ذمه وار

می شود که صرمت راه کابل و دکه را نموده
آرا بطور نکمیان کند که موز بران

عبور کرده بتواند — کار حل و نقل
نزروع خواهد شد

تا وقتی که راه مذکور ایسطور نشود
که موز های کلان عبور آرده بتواند

کار ملتوی خواهد شد و کیان مسئول

بدارد ناگزیر هر وقت بالاطمینان در آن سفر نواخت کرد.

ماده هفدهم : - کپانی ذمه بردار میشود که بسته را مطابق نرخهای کنترل کت که بعد ازین معین خواهد شد حل و نقل آنند.

ماده هزدهم : - نرخهای حل و نقل مال و مسافرین نیز بمقابل قرارداد معمولی بعد از مذاکره با دولت معین خواهد شد و آن بمقابل نرخهای مناسب کنونی خواهد بود.

ماده نوزدهم : - نرخهای که در مواد هفدهم و هجدهم ذکر شد تا یک سال در جریان خواهد بود و بعد آن یک اندازه نرخ مقرر و معین خواهد شد و آن مطابق نتائج مالی و بولی اولین مدت تجربه خواهد بود.

ماده بیستم : - نرخهای حل و نقل مال التیجاره بمقابل وزن اندازه و قیمت معین خواهد شد.

ماده بیست و یکم : - در هیچ حالت مال التیجاره و مسافرین مجاناً حل و نقل کرده نخواهد شد.

ماده بیست و دوم : - کاشته تجارتی دولت در پشاور مال التیجاره و مسافرین رای حل بقابل میباخواهد کردو رای اینکه به کپانی مشتری میدهد و در صد آرت بامور تجارتی داده خواهد شد یعنی کپانی خواهد داد

داشته خواهد بود که از فهرست اشایی مذکور هرجه لازم داشته باشد به پسند.

ماده سی و یکم : - اداره کننده کپانی هستر مانیریا کسیکه بمحای او آید مقرر خواهد شد.

ماده سی و دوم هم رهایی ایطالیا که مستخدمین کپانی خواهند بود پایند و این داخلی افغانستان خواهند بود.

ماده سی و سوم : - این قرارداد بجزیان فارسی و انگلیزی نوشته شده و متن حق مساوی دارد.

خطار

بعد از اختتام یازده سال این قرارداد جماعت مدیران یک مجلس منعقد خواهد کرد و در آن دولت را مدعو خواهد ساخت تا برای تجدید نومنو قرار داد رای پیدا کنند، اعلانات رای تجدید یا اختتام دادن باید درین هم تبادله پایند و آن هم در مدت ده ماه قبل اختتام قرار داد پائید.

تخریب ۸ عقرب سنه ۱۳۰۱ شمسی
(تشrif فرمان اعلیحضرت غازی)

(به سمت مشرق)

روز شنبه (۸) ماه جدی اعلیحضرت پادشاه محبوب القلوب شفقت کستر غازی مان برای ادائی صاوة به مسجد پل خشی که بین از مسجد های جامع بسیار مشهور

۲۵ فی صدی برای نقصان اسباب و لوازمات (۱۰) فی صدی برای نقصانات مابینها (۵) فی صدی برای نقصانات عمارات هم بلک مبلغیکه وقتاً فوقتاً معین خواهد شد برای خرودت کذاشتندی شود.

ماده بیست و هفتم : - در حالیکه بعد قرار داد بالجامبرسد و یاد سوتیکه قبل از وقت معینه اکر حصه داران فیصله کنند که قرار داد هدافسخ شود و هم در صورت ماده (۲۸) کپانی دست از کار خواهد آشید و املاک را بمقابل سهم تقسیم خواهد کرد قیمت و املاک از روی صورت حساب نجیده خواهد شد در وقت تقسیم املاک دولت بر اصراف نومنو عمارت و اشایی غیر متفوته که در خالک افغانستان باشد امانتیازدارد.

ماده بیست و هشتم : - بعد سال دوم اکر حصه قسمت فی صدی بطور اقل بذست نیاید [ماده بیست و ششم رایبیند] هستر مابین حق خواهد داشت که از بر طرف شود

ماده بیست و هم : - کپانی حق کرک افغانستان را برای بطرول طارها و لوازمات مابینها و وزراها بمقابل نرخ های دولتی خواهد داد.

ماده سیم : - هستر مانیریزمه بر میدارد که مساوی به بول خریداری پال در ارار بول خود امتعه افغانی را از قسم میوه تازه را باقی امتعه که بلک فرست آن بوسیو مانیرداده میشود خریداری کند بوسیو مانیر حق

ماده بیست و سوم : - بلک افغان معتمد از طرف دولت مقرر خواهد شد که در اداره شرکت تاسیلات لازمه فرام

آورد و این شخص باید زبان انگلیزی بداند ماده بیست و چهارم : - بلک جماعت مدیران مقرر خواهد شد و اجزای آن

بل صدر مجلس از طرف کپانی معین خواهد شد این جماعت هر شش ماه مجلس خواهد داشت تا حساب را دیده تصویب نمایند و در معاملات عمومی بحث کنند در حالت معامله هم فتوی این جماعتها منتظم کپانی هر کاه لازم شود خواهد طلبید تا مجلس منعقد شوند.

ماده بیست و پنجم : - همه مبالغه و

نارع که درین مدیران یاد رهیان کپانی و دولت واقع شود بتوسط کمیته منصفین رفع خواهد شد برای کمیته مذکور بلک

نفر از طرف دولت و بلک نفر از طرف کپانی مقرر خواهد شد این دونفر هم صلاح کردیده بلک نفر ثالث مقرر خواهد شود اکر این دونفر در انتخاب نومنو شخص

ثالث متفق نشوند مراجعت در عدیه افغانستان قطع خواهد شد برای فتوی شخص ثالث ایل قبول نیست.

ماده بیست و ششم : - منافع در آخر هر سال بمقابل نرخ هر سهم ادائی و ده خواهد شد بعد از وضم نومنو رقم مفصل ذیل از منافع نادیه محض شود.

و با پیش شهر شیر عزیز مامت هر رض و وجود
سعادت نمود کرده بعد از ادای عازمی
رعبت نوازی و شیوه دلجنی را بهار علی
صادق، خود شان بجا آورده بطریق که
دلہای عموم از شنیدن کلام فرحت انجام
شان لبیز سرت و انساط کردید حرف
تشریف فرمائی خود را به (سمت مشرق)
اظمار و وداع خود را با حاضرین اشعار
فرمودند و فردای آن ساعت (۶) بسواری
موڑجاده پیمای محل مقصود کردیدند.
اگرچه در ایام زمستان از عصر
اعلیحضرت شهید سعید جلال آباد طراوت
بنیاد، برای تفریح و آیین حکومتی قرار
داده شده بود، لیکن اعلیحضرت بدرو
تاجدار غم خوارماه وای اتراحت و آرامی
شخصی خود شان این سفر بیودی اثر راه
پسندیده اند، بل خیال شاهانه و مقصد
یکانه شان ازین تشریف فرمائی هم
پژوهش احوال رعایا و نظام و نسق امورات
آن ولایت. ملاحظه فرمایند تاریخیات
و تنظیمات جدید را که درین چهار سال
یعنی از استادی جلوس میمانت مانوس خود
بروی کار آورده نائب الحکومه ها و حکام
را باجرای آن امر و ارشاد فرموده اند
مطابق رای جهان آرای ملوکانه شان
مرتب و منظم شده است یانی ا جنابه
روز وداع از نطق مبارک شان نیز همین
مضمون غم خواری نهون ظاهر، هویدا بود

تاسیس مکاتب در هرات
مکتب مبارک (دیانت) در ولایت کوش
تحت ماموریت مس (عبدالکرم خان)

جوان از جمیع

(مصنفوی کمال پاشا)

قبله زوال تو شنید:

زوال انگلیسی منور بیک از زور
زین نامه اسلام و مخالفین سیاست بریتانی
محسوب نشد او میکوید در شهر قویه
مصنفوی کمال پاشا را ملاقات نرم اشک
قرمان اسلام را وصف میکنم: - کمال پاشا
یا قدر معقول و موی طلاق مهائل بسیاری جشم او
را ق سبله اوتنه و کوچک است همینکه
زکاه من او افتاد بقین دلستم به او عبارت
از قوه دافعه است که ملت زک را بحفظ
حقوق خویش را ذکر نخواسته و او یکاه و سیله
فیروزی است - بطوریکه تحقیق کرده ام
و یقین داشتم صاحب مقصبان و افراد قشون
واسار اهالی سوزن - خرد سال و سان
خوردده همه اورا میبرستند و عیادت میکنند
ماندازه ارا تقدیر و تقديری می کنند که
میندان نزوح داد - امام اهالی اناطولی هم
طاعت اورا از فرایض دینیه می دانند
و استانبول آه بطوریکه بقین در حد ۹۰ تحت
فرمان اوست - اشاره یانعیله او در نظر
ملت توک عبارت از حکم قطعی است -
اصراحته باشد مطاع و مجری است قوی
الاراده باعزم و عقل و بصیرت و دانش
است سکوت و هنات از خلاف اوست مکر
در موقع ازوم باکل فصاحت و اقتدار خطابه
خود را سیل وارد ادمی کنند شی باهم

مامور معارف انجما از مسامعی جناب حقایق
ومعارف اکتفاء (حضرت صاحب کوش
و کوشش های محمد ابوبخان، علاء دار
افتتاح کردید مجلس اسیار منی که جناب
حضرت صاحب ازرا تشکیل فرموده بودند
به مرأه حلوبات و افره وادعیه متکاشه دو
روز ناسیس آن منعقد کردید مکتب مبارکه
(هدایت) در علاوه غوریان تحت ماموریت
من - ملا سید محمد عثمان خان، مامور معارف
از مسامعی جبله جناب (عبدالغفور خان)
بارگاهی حاکم آنصوب و ف - قاضی ملا
(عبد الرحمن خان) بیک جوش و خوش
و جد آورانه ناسیس کردید و محفل بس
عالی بهترین های زیاد و موزیکه های ملی
بتریب افتتاح الفقاد یافت - مکتب مبارک
(نجابت) در قریه (جقاره) علاقه داری
بلوک (الجن) تحت ماموریت من - ملا عبد
الکریم خان مامور معارف از سیه باغ
و میرزا محمد جعفر خان، علاوه دار و هم ف
قاضی ملا محمد حیدر خان اتصاب کردید
و مجلس فشنگی بتریب نهیت بدعا ترقی
معارف و معارف پروران انجام یافت -
مکتب مبارک (رشادت) در علاوه اسفزار
تحت ماموریت من ملا عبد الرحمن خان
مامور معارف افتتاح کردید و بشیوه
سرگویی مجلس ناسیس مکتب اختتام یافت -
مکتب مبارک (فقاهت) در قریه که دستان
تحت ماموریت من حاجی ملا ناج محمد خان
ناسیس و مجلس افتتاح آن بوجه دلخواه
الجام پذیرفت.

[آفاق اسلام]

برخوان غذای شام نشسته بودم - آغاز سخن از جنگ کمای ناپلیون تردم مصطفی کمال فوراً تاریخ جنگ ناپلیون در ایطالی را بیان و اظهار آمیخت از اقدامات و فتوحات او نموده کمال پاشا عبارت از عنوان سی و همل است هیچ از کار خسته نیشود او براحتی سیاسیه و جریان اروبا کامل اطلاع است . او بکفر وطن دوست و فدا میدارد ، دولت ساوتی تقاضای دولت دول اوروبا و امریکارا راجع بمحفظ قانون غاصبانه (کاینولا-ایون) در عثمانی و حباب مخصوص اقلیت های ملل مسیحی بتوسط خارجه ها مانند فلسطین عزیزه کنزول حایت داخل عثمانی میدارد ، دولت روس ار-اقیب ابن طرز سیاست استنکاف جنته و اطمینان میدارد آن لازم است مملکت عثمانی فقط با قوانین خود اداره شود و روسیه نه تنها از سیاست منبور پیروی خواهد نمود بلکه برعلیه قانون کاینولا-ایون قیام خواهد کرد .

(الغای کاینولا-ایون)

اگر ، ترکها در از میر بالغای قانون کاینولا-ایون مبادرت نموده و بست خانه ای خارج و مدرسه امریکائی را تعطیل کرده اند

• حتماً

و مذکوره علمای اذکوره ، از پرس ۲ دسمبر ، اطلاع رسیده که درانکوره هیئت صرایه امور دینیه لانجه به مجلس عالیه ملیه تقدیم کردند

کافران لوزان بعد از اضای معاهده مدنیه که بلک معاهده تزاره و تمیزی بود برای المقاد معاهده مفصل در شهر (لوزان) کیکی از شهرهای (سویز لیند) است مجلسی به نام (کافران لوزان) المقاد یافت . عصمت پاشا وزیر امور خارجیه حکومت اذکوره ولاد کرزن وزیر امور خارجیه برطانیه و باق نمایندگان دول فرانسه و ایطالیا و یونان وغیرهم از جندی است که مشغول مذاکرات و مفاوضات میباشد مسائل مهمه که درین کافران مطرح مذاکره است مسئله بوقاذه کاینولا-ایون (امتیازات اجانب) اقلیت ملل اجنبی است ترکان میخواهند که بظاهرها ناما در بد افتخار خود شان بوده کسی بران مراقب نباشد و کاینولا-ایون ازین به بعد مانی بوده مسیحی وغیرمسیحی مطیع قانون عثمانی خواهد بود ، در مسئله انتیت ملل اجنبی خود ترکان آنچه مناسب دیدند معمول خواهند داشت و تذارکان احرار خیال دارند که در همین کافران مسئله موصل را تصفیه کنند و بران مستولی گردند لیکن لارکرزن نمیخواهد که این مسئله درین کافران تصفیه شود جه بريطانیه موصل ماضرور است کلاقل ۳۰۰۰۰ ، مکتب جدید تاسیس نعامیم ، الاخبار ،

که مقتدا ایان عالم اسلام را ترغیب داده شود تاک مجلس عالی علماء اسلامی درانکوره المقاد باید حکومت اذکوره بوجب این اتفضا بلک فورست امامی علماء بزرگوار دیندار مصر ، و افغانستان و هندوستان را زیب داده است .

« اعانته هلال احر » اعانت که برای « هلال احر » از وقت نصرت اخیره رسیده است بقرار ذبل است :

اهالی استانه ۲۴۵۰۰۰ لیره عثمانی
مسلمانان الجزائر و تونس و سوریا ۷۷۰۰۰
مسلمانان مصر ۳۷۰۰۰
قیمت غنائمیکه در این وقائع اخیره بدلست ترکان اقتداء ... ، ، ،
لیره عثمانی « العدل »

« بی هزار مکتب در اناطولی » بلک نامه نکار جربیده « شی-کا کو زبیون » میگوید آن « مجلس اکبر ملی » اذکوره بتریب بلک قانون مخصوص برای نعلم شعب و قابل آغاز کرده . و عنقریب متعلمن کلان سال را به قریبه های اناطول رای معلمی مکاتب نادو سال می فرستند نامه نکار موصوف میگوید آن باوزیر معارف حکومت اذکوره ملاقات کردم در ضمن سخن ها فرمود که در اناطولیه از پرس ۲ دسمبر ، اطلاع رسیده که درانکوره هیئت صرایه امور دینیه لانجه به مجلس عالیه ملیه تقدیم کردند

کامپاب کرده یعنی فلسطین و سوریا و عراق و موصل در تحت حایات و استیلاه برطانیه باشد و بوقاذهای کامل آزاد باشد تاسفانی چنیک در زمان حرب بدون مراجعت ذهاب و ایاب بتوانند مکرر نماینده روس موسیو چیزرن علناً میگوید که روس برچنان یک معاهده که دران دروازه بحر سیاه برای رفت و آمد جهازهای چنیک مفتوح باشد هر آن اعضا نمی‌کند لارد کرزن کوشش دارد که بین ترکان و روسیه سنک نفرقه بیندازد مکر پدیده است که این محض اندیشه و توهمند است. ترکان و روسیه بر اقوال برطانیه هیچ اعتبار ندارند. الحال کافران لوزان عقیم می‌ماند چنانچه جهازهای برطانیه بجانب قسطنطینی در حرکت است و متعلقین و متنسبین از کلیسا از قسطنطینیه برآمده بیرونند. عاکر ترکان هم حضری می‌بینند بلکه آغاز حرکت هم کرده اند لارد کرزن از لوزان به پرس رفت، تا پوزلا رئیس وزرای برطانیه مشوره کردند. غالباً باز جنک شروع خواهد شد.

در جهاب خانه حروفی دار السلطنه کابل

طبع کردید

(سر محور سبد محور قاسم)

مسائل که برطانیه بران استاد، کی دارد همین مسئله موصول است از طرف دیگر ترکان هم بران بیخت استاده کی دارد چرا که بوجب (میثاق قومی) چنین است که موصول تحت سیادت ترکان بیاد مسئله مشکل دیگر مسئله بوقاذهایست آن برطانیه میخواهد آزاد و تحت مراجعت اقوام باشد و چون که قوه بحریه خودش از همه غالب نراست در مآل ابن امیاز تها برای او میاند غایسته روس را در اول به کافران قبول نمیکردند آخر در مسئله بوقاذهای حضور اورا متفق شدند قریب یک‌هزار ماه است که مذاکرات و مفاوضات جاری است لآن از اطلاعات تاره جنان علوم میشود که انجمام رشتة کفت و شید به نیکی وصلاح خواهد بود بلکه سلاح مسائل را تصفیه خواهد کرد چرا مدار ظمور نتیجه مصالحت و مسامت بران است که عمده مطالب ترکان و روسیه تسلیم شود لآن لارد کرزن از عداوت فطری که دارد تاکین بقبول آن نمیکند و دیگران را هم نمیکنند که متفق تردد ازین جهت کافران مجلس مصالحت و حق بیان و خیر اندیشه نیست بلکه میدان ریشه دوانها و خود غرضها و اغفال کردن و کول زدن است. لارد کرزن همین کوشش دارد که بر صورت باشد بر مقاصد خود